

لارنس اسمیت

جهان در ۲۰۵۰

ترجمه

دکتر منصور امیدی

(استاد دانشگاه تهران)

و

ناصر زرین پنجه



فهرست

۷	پیش‌گفتار
۲۱	سرآغاز
۲۵	فصل یکم: جایزه پشمالوی مارتل

بخش یکم: فشار

۷۳	فصل دوم: داستان‌های شهری پرآشوب
۱۱۱	فصل سوم: آهن، نفت و باد
۱۷۶	فصل چهارم: کالیفرنیا می‌سوزد، شانگهای غرق می‌شود

بخش دوم: کشش

۲۶۵	فصل پنجم: دو عروسی و یک مدال رایانه‌ای
۳۱۰	فصل ششم: یک اگر از راه خشکی، دو اگر از طریق دریا
۳۶۵	فصل هفتم: موج سوم
۴۲۶	فصل هشتم: خداحافظ نیزه شکار، سلام کیف‌دستی

بخش سوم: سرانجام‌های جایگزین

۴۷۱	فصل نهم: گزارش پنتاگون
۵۲۱	فصل دهم: شمال جدید
۵۴۷	نمایه

پیش‌گفتار

سال ۲۰۵۰! کمتر از چهار دهه دیگر جهان چگونه خواهد بود؟ اگر فرزند شما امروز به دنیا آمده باشد، در چنین روزی در آن سال وقتی به دیدن شما می‌آید، احتمالاً چند تار موی سفید دارد و نوه شما احتمالاً ده‌ساله خواهد بود. پس زمانی چندان طولانی نخواهد بود، اما در آن زمان نوه ده‌ساله شما در چه شرایطی زندگی می‌کند؟ آیا در آن زمان، مانند فیلم‌های هالیوودی، روبات‌ها برنامه‌ریز و مجری زندگی نوه شما خواهند بود؟ با استفاده از مهندسی ژنتیک چندین کپی از نوه شما تهیه شده است؟ یک جنگ جهانی اتمی خانمان‌براننداز بیش از نیمی از جهان را غیرقابل سکونت کرده است؟ گازهای گلخانه‌ای جهان را به جهنمی از گرما و آلودگی تبدیل کرده است؟ ابرکامپیوتر جهانی آماده فشار تکمه‌ای برای انفجار کره زمین است؟

اگر با نگاهی علمی به بررسی وضعیت جهان بپردازیم، به نظر می‌رسد جهان در چهار دهه آینده منتظر هیچ واقعه غیرمعمول نخواهد بود. جنگ جهانی ویران‌کننده‌ای پیش‌بینی نمی‌شود. تغییرات بنیادی و ناگهانی هم به وقوع نمی‌پیوندد. ولی روند تغییر جهان از لحاظ ساختار جمعیتی، منابع تجدیدنابذیر، نیازهای انسانی، تغییرات تدریجی اقلیم، جهانی شدن، دستاوردهای علمی و وضعیت آب به گونه‌ای تغییر خواهد کرد که بررسی و برنامه‌ریزی برای آن زمان هم در عرصه

اجتماعی و هم در عرصه برنامه‌ریزی برای مسئولان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و برنامه‌ریزان جهان و کشور اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. وضعیت کشور ما در آن زمان چگونه خواهد بود؟ جایگاه کشور ما در کره زمین چیست؟ کشاورزی ما چگونه است و چه محصولاتی را می‌توانیم تولید کنیم؟ تغییر اقلیم چه محصولاتی را از کشور ما حذف کرده و ما چه محصولاتی را جایگزین کرده‌ایم؟ چه قدر زمین قابل کشت داریم؟

چه مقدار از زمین‌های کشاورزی ما شور و غیرقابل کشت شده است؟ چه مقدار از این زمین‌ها به دلیل نابودی منابع آبی غیرقابل کشت شده‌اند؟ چه قدر آب آشامیدنی داریم؟ چه قدر آب برای آبیاری داریم؟ در آن سال در سرزمین خشک ما، آب چه جایگاه و چه ارزشی دارد؟ آیا منابع آب را حفظ کرده‌ایم؟ کدام منابع آبی کشور هنوز پابرجاست؟ چه مناطقی به دلیل نابودی منابع آب غیرمسکونی شده است؟ وضعیت آب و هوایی حاکم بر کشور ما چگونه است؟ آیا ساختمان‌ها و سرپناه‌های ما برای آن زمان و تغییرات آن دوران مناسب است؟ مشکل یا مشکلات اصلی دنیا در آن زمان چیست؟ و مشکل یا مشکلات ما چه خواهد بود؟ آیا برای مواجهه با این مشکلات برنامه‌ریزی کرده‌ایم؟ نفت، گاز، آهن، مس، و ده‌ها ماده تجدیدناپذیر که امروز به راحتی آن را مصرف می‌کنیم یا به هدر می‌دهیم وجود دارد؟ کدام یک از منابع طبیعی در آن زمان دارای اهمیت است؟ ارزش و جایگاه نفت در آن زمان چیست؟ تکنولوژی‌ها و علوم جدید تا چه میزان در کشور ما نهادینه و قابل استفاده شده است و به چه میزان در زندگی ما تأثیرگذار است؟ علوم جدیدی مانند بیوتکنولوژی و نانوتکنولوژی چه جایگاهی در تولید ثروت در کشور ما دارند؟ چه گیاهان و حیوانات تراریخته ژنتیکی را تولید کرده‌ایم؟ چه محصولات تغییر یافته ژنتیکی در سبد غذایی ما وارد شده است؟ از ژرم پلاسما کشور کدام ژن‌های جانوری و گیاهی مؤثر در تولید ثروت را به ثبت رسانده‌ایم؟ در پروتکل‌های

سرزمین و منابع تا چه میزان منافع ما رعایت شده است؟ اولویت‌های اول آن زمان چیست؟ و ما چه قدر برای آن‌ها برنامه‌ریزی کرده‌ایم؟ نیازهای اجتماعی، رفاهی، و... آن زمان چیست؟ توان‌مندی‌های خاص کشور که جهان به آن نیاز دارد، در آن زمان چه خواهد بود؟ جمعیت کشور ما چه قدر است؟ هرم سنی جمعیت به چه صورت خواهد بود؟ هرم علمی-تخصصی جمعیت چگونه خواهد بود؟ و ده‌ها پرسش دیگر من را بر آن داشت که به ترجمه این کتاب که بر اساس نگرش و دستاوردهای علمی یک متخصص جغرافیای دانشگاه UCLA آمریکا نگارش شده است بپردازم. شخصیتی که تحقیقات بسیار گسترده‌ای در قطب شمال داشته، در لس‌آنجلس زندگی می‌کند و آب آشامیدنی خود را از فاصله صدها کیلومتر دورتر می‌آورد!! متخصصی با دیدگاه‌های خاص و تحقیقات گسترده در مورد تغییرات اقلیمی جهان و قطب شمال.

کتاب در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۰ منتشر شد. زمانی که برای یک دوره تحقیقاتی در شهر اتاوا در کانادا بودم، و در یکی از روزها که سرگرم ورق زدن یکی از روزنامه‌های اتاوا بودم، مطلبی توجه‌ام را جلب کرد. نویسنده در مورد انتشار کتابی در دو ماه بعد، یعنی در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۰، با عنوان **جهان در ۲۰۵۰** مقاله‌ای نوشته بود. عنوان برایم جذاب بود و بعد از خواندن این مقاله، مطالب کتابی که قرار بود دو ماه بعد منتشر شود برایم جذابیت خاصی را به وجود آورد. مطالعه شرح حال نویسنده نیز جذابیت کتاب را برایم بیشتر نمود تا این‌که در ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۰ یعنی فقط یک روز بعد از انتشار کتاب آن را خریدم. تا زمانی که در کانادا بودم آن را به صورت اجمالی مطالعه کردم و به این نتیجه رسیدم که جای چنین نوشته‌هایی در کشور ما خالی است، چون مدت‌هاست که همه افراد و اقشار جامعه ما دچار روزمرگی شده‌اند. اقشار تحصیل کرده، دانشگاهی، متخصص، بدون نگاه به آینده در سیاست‌زدگی و روزمرگی گرفتار